

در این دادگاه فیلمی از مسعود رجوی منتشر شده که در دیدار با رئیس سرویس اطلاعات عراق اعلام می کند کاخ سفید و الیزه از جنایت ۷ تیر با خبر بوده اند.

در شعبه یازدهم دادگاه کیفری استان تهران؛



اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق موسوم به منافقین در شعبه یازدهم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی دهقانی به صورت علنی برگزار شد.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از میزان، قاضی این پرونده اظهار داشت:

پرونده مشتمل بر کیفرخواست دریافتی از دادسرای عمومی و انقلاب تهران با موضوع اتهامات گروهک تروریستی منافقین موسوم به مجاهدین خلق به عنوان شخصیت حقوقی همچنین علیه ۱۰۴ نفر از کادر مرکزی و عوامل اصلی آن تحت نظر دادگاه قرار دارد.

وی ادامه داد:

این دادگاه با رعایت همه اصول آیین دادرسی کیفری به ویژه مواد هفتم و ۲۹۶ و ۳۸۲ این قانون پس از وصول کیفرخواست و مطالعه آن، مستند به قانون آیین دادرسی و قانون مجازات اسلامی دادگاه را برای رسیدگی به این اتهامات برابر با ابلاغهای قضایی مستقر در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران صلاحیت خود را اعلام می‌دارد.

قاضی دهقانی با اشاره به تعیین وکلای تسخیری افزود:

این دادگاه پس از انتخاب وکلای تسخیری بلافاصله به وکلای متهمان اخطار کرد تا همه ایرادها و اعتراضات خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ تسلیم دادگاه کنند که البته ایرادها و اعتراضات از قبیل مرور زمان، مشمول شدن دادرسی، رد دادرسی، قابل تعقیب کیفری نبودن و نقص تحقیقات یا هر موضوع دیگر به دادگاه تسلیم نشده است. رئیس دادگاه شعبه یازدهم کیفری استان تهران در تشریح جزئیات رسیدگی به جرایم گروهک منافقین موسوم به مجاهدین خلق گفت که برای آدرس رسمی آن‌ها ایمیل فرستاده شده تا دفاعیات خود را ارسال کرده و وکیل معرفی کنند. اشخاص حقیقی تحت تعقیب این پرونده متواری هستند و دسترسی به آن‌ها برای این دادگاه امکان‌پذیر نبوده است و احضار یا جلب آن‌ها به رغم نشر آگهی و ارسال پیام‌ها دادگاه با توجه به صدور قرار رسیدگی به نشر آگهی به نشر قرار در روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی می‌پردازد که در دو نوبت آگهی در روزنامه‌های کیهان و جام جم منتشر شده است. پس از این اتهامات قانونی دادگاه پرونده را جامع و کامل بررسی کرده و گزارش جامعی تنظیم شده است و مستند به ماده ۳۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۳۹۱ این قانون، رئیس شعبه رسیدگی کننده پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص داده است و بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی را صادر کرده است. مستند به قانون آیین دادرسی و نظر به عدم حضور متهمان در اجرای مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری به متهمان اعلام می‌دارد چنانچه محلی برای اقامتگاه قانونی یا نشانی برای ارسال اخطاریه‌ها و سایر اوراق قضایی می‌توانند به این دادگاه اعلام کنند و آنچه اعلام کنند به عنوان محل قانونی اقامت آن‌ها شناسایی می‌شود.

در ادامه دادگاه فیلمی از مسعود رجوی منتشر شد که سرکرده منافقین با ژنرال حبوش رئیس سرویس اطلاعات عراق دیدار

کرده و به او اعلام می کند که جنایت ۷ تیر توسط این گروهک صورت گرفته و کاخ سفید و کاخ الیزه از آن با خبر بودند.

در بخشی از دادگاه اسنادی منتشر شد که نشان می داد که در جریان انقلاب ایدئولوژیک در گروهک منافقین مریم قجر عضدانلو از همسرش مهدی ابریشمچی جدا شده و به عقد رجوی درآمد؛ این طلاق دلیلی جز خوش آمد رجوی نداشت. پس از این به اصطلاح انقلاب اعضای سازمان حق ازدواج را دیگر نداشتند.

متن کیفرخواست به شرح ذیل از سوی نماینده دادستان قرائت شد:

مسئله نفاق و منافقان در اسلام از زمانی مطرح شد که پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله وسلم» از مکه به مدینه هجرت فرمودند و از همان زمان آثار دسیسه ها و توطئه های منافقین ظاهر شد و آنان برای ادامه برنامه های تخریبی خود تغییر چهره داده، ظاهراً به صفوف مسلمانان پیوستند، ولی در خفا اعمال خود را ادامه می دادند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَقُولُونَ يَا قُوهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ»
 آن ها (منافقان) با زبان خود چیزی می گویند که در دل هایشان نیست (گفتار و کردارشان باهم نمی خواند) و خداوند (ازهرکس دیگری) به آنچه کتمان می کنند آگاه تر است. (ال عمران ۱۶۷)

در جای دیگر می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ يَأْتِيهِمُ الْآخِرُ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (گروهی از مردم هستند (منافقان) کسانی هستند که می گویند به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم درحالی که ایمان ندارند). (بقره ۸)

طبیعت هر انقلاب اقتضا می کند که بعد از پیروزی با صفوف مخالفان روبه رو شود و دشمنان سرسخت به صورت عوامل نفوذی در لباس دوستان ظاهری، خود را نشان دهند. در آیات فراوانی از قرآن کریم در خصوص نفاق بحث شده و از همه مهم تر خداوند متعال یکی از سوره های قرآن را به نام "منافقون" نام نهاده است. علاوه بر آن در روایات معصومین (ع) نیز به طور فراوان به این موضوع پرداخته شده است، حضرت علی (علیه السلام) در کتاب مقدس نهج البلاغه ویژگی ها و صفات بسیار دقیقی را برای اهل نفاق ذکر فرموده اند که از جمله به «گمراهی»، «لغزش»، «خطاکاری»، «رنگ به رنگ شدن»، «آمادگی برای فریب دادن»، «بیماردلی و ظاهر آرایی»، «حرکت های پنهانی»، «تنگ نظری و ایجاد یأس»، «اصرار و لجاجت»، «برنامه ریزی برای اهداف باطل»، «آمیختن حق و باطل» و ... می توان اشاره کرد.

نکته قابل توجه این که مسئله نفاق و منافقان به عصر پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» اختصاص نداشته بلکه در هر عصر و هر جامعه ای (خصوصاً جوامع انقلابی) با آن روبه رو هستند و به همین دلیل باید با درک آیات و روایات در این مورد برای مبارزه با روح نفاق و خطوط منافقین به طور خاص در جوامع اسلامی آماده بوده، بهره برداری نمود. نکته مهم دیگر آن که خطر منافقان برای هر جامعه ای از خطر سایر دشمنان بیش تر است، چراکه از یک سو شناخت آن ها غالباً آسان نیست، و از سوی دیگر دشمنان داخلی هستند و گاه چنان در تاروپود جامعه نفوذ می کنند که جدا ساختن آن ها کار بسیار مشکلی است. افزون بر آن روابط مختلف آن ها با سایر اعضا جامعه کار مبارزه را با آنان دشوار می سازد. به همین دلیل اسلام در طول تاریخ خود، بیش ترین ضربه را از منافقان خورده و نیز به همین دلیل قرآن سخت ترین حملات خود را متوجه منافقان ساخته و نسبت به مقابله و جهاد با آنان پیوسته هشدار داده است. به عنوان نمونه آن جا که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اعْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ نَسِئَ الْمَصِيرُ» ای پیامبر! با کفار و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سختگیری کن و جایگاه شان دوزخ است و بد بازداشتگاهی است. (توبه ۷۳)

به دنبال قیام مردم ایران در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی (مصادف با ۱۹۶۳-۱۹۶۴ میلادی) و سرکوب بی رحمانه آن توسط رژیم شاه و در نهایت تبعید امام خمینی (ره) از ایران، فضای یأس و ناامیدی در میان مردم و مبارزین و روشنفکران در جامعه آن زمان رخ داد. پس از گذشت ماه های متمادی از آن واقعه، برخی از نیروهای جوان نهضت آزادی مانند محمد حنیف نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع زادگان در جلسات مخفیانه و مستمر در سال ۱۳۴۴ ه. ش (مصادف با ۱۹۶۶_۱۹۶۵ میلادی) مباردت به تشکیل گروهی کردند که سال ها بعد نام سازمان موسوم به مجاهدین خلق ایران (MKO) را به خود گرفت. آن ها معتقد بودند که تنها از طریق یک مبارزه تمام عیار مسلحانه و قهرآمیز می بایستی نسبت به سرنگونی رژیم شاه اقدام نمود. این گروه پس از تشکیل شروع به عضوگیری کرده، به منظور اتخاذ یک خط مشی مبارزاتی و راهبرد درازمدت، به مطالعات گسترده روی متون ماتریالیسم فلسفی و تاریخی پرداخت و هم چنین مطالعات پراکنده ای در رابطه با قرآن و نهج البلاغه به عمل آورد.

شهریورماه سال ۱۳۵۰ ه. ش (مصادف با اگوست-سپتامبر ۱۹۷۱ میلادی) این گروه قصد داشت اقدامات نظامی خود را در سراسر کشور آغاز نماید. ولی قبل از انجام هر عملیاتی، توسط عناصر ساواک شناسایی شده و تقریباً تمام اعضای مرکزیت و سایر اعضای مهم گروه دستگیر و روانه زندان شدند. به واسطه رسوخ عمیق دیدگاه های ماتریالیستی در میان بخش اعظم اعضا و کادرهای این گروه در سال ۱۳۵۴ (مصادف با ۱۹۷۶-۱۹۷۵ میلادی) سازمان با صدور اطلاعیه ای رسماً مارکسیست شدن گروه را هم در میان اعضای زندانی و هم در میان اعضا و کادرهای خارج از زندان اعلام نموده و چند تن از اعضا که از پذیرش آن خودداری کردند به طرز فجیعی توسط سازمان ترور و حذف شدند.

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، اعضای این گروه منفعلانه شاهد و ناظر این تحولات بوده و، چون این وقایع را با تحلیل های ذهنی خود منطبق نمی دانستند با این حرکت عظیم همراهی نکردند.

با گسترش جریان انقلاب، گروه گروه از زندانیان سیاسی تحت فشار مردم انقلابی از زندان آزاد می شدند و تنها چند روز پیش از پیروزی انقلاب اعضا و کادرهای سازمان نیز آزاد شده و در میان خیل عظیم مردم انقلابی محو شدند. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم شاه، این گروه به طور وسیع مباردت به جمع آوری و اختفای سلاح و مهمات و مواد منفجره

کردند و علی‌رغم اعلام رسمی و ظاهری مبنی بر انجام فعالیت‌های قانونی سیاسی، هیچ‌گاه حاضر به تحویل سلاح‌های خود به مراجع ذیصلاح قانونی نشدند و به این دلیل و به واسطه بروز رفتارهای به شدت متناقض و دوگانه در صحنه‌های مختلف و وقایع گوناگون، نام منافقین (به معنی عنصر ناصداق و خیانت‌کار) از سوی مردم بر آن‌ها گذاشته شد؛ و پس از آن اکثر مردم از این گروه نه با نام مجاهدین بلکه با اسم «منافقین» یاد می‌کردند.

رفتارهای شخصی و سازمانی آنان نه با الگوها و موازین اسلامی همخوانی داشت و نه با اصول جمهوریت و مردم‌سالاری، هرچند که در ظاهر خود را مسلمان و مردمی (طرفدار خلق) می‌نامیدند. البته لازم به ذکر است که نفاق یا دورویی مختص جامعه اسلامی یا کشور ایران نیست؛ بلکه در تمام جوامع و در سطح بین‌الملل نیز شاهد آن هستیم که برخی دولت‌ها و برخی اشخاص یا گروه‌های حقیقی و حقوقی علی‌رغم شعارهای حقوق بشری، عملاً از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند؛ یا برخلاف موازین بین‌المللی و بدون مجوز شورای امنیت، مبادرت به حمله نظامی و اشغال کشورهای و حمایت از جنایتکاران می‌کنند.

سازمان در دوره ۲۸ ماهه ابتدای پیروزی انقلاب تا روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ (مصادف با ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ میلادی) در ظاهر تلاش می‌کرد رفتارهای خود را در قالب یک گروه سیاسی توجیه کند؛ ولی عملاً و به‌واقع حاضر نبود به لوازم و تبعات این ادعا پای بندی خود را نشان دهد. این دوره که از سوی خود سازمان تحت عنوان «فاز سیاسی» نام گرفته بود، مشحون از اقدامات و رفتارهای منافقانه بود. عدم پایبندی صریح به قانون و نهادهای انقلابی ذیصلاح برآمده از انقلاب و درگیری و نزاع‌های گسترده و عدم تحویل سلاح به نهادهای قانونی و تلاش برای بی‌اعتبار سازی و نامشروع نمایی آن‌ها و قدم به قدم رادیکالیزه و خشونت‌بار کردن این اقدامات و ایجاد فضای تنازع و تقابل و افزایش کینه و دشمنی در میان اعضا و هواداران با سایر صفوف ملت و ایجاد سازمان‌دهی نظامی نیمه مخفی- نیمه علنی در تشکیلات سازمان و نفوذ پنهانی و غیرقانونی در دستگاه‌های حاکمیتی نظام تنها بخشی از این رفتارهای منافقانه بود.

نهایتاً در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و هنگامی که سران گروه تصور می‌کردند به مرحله‌ای رسیده‌اند که قدرت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را در چند حرکت سریع پیدا کرده‌اند، آغاز جنگ مسلحانه و محاربه‌ای بی‌رحمانه علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران را اعلام کردند. در این روز کادرهای سازمان به خیابان‌ها ریخته و مردم را به سرنگونی جمهوری اسلامی دعوت کردند. بعد از این تاریخ بود که موج ترورهای گسترده سازمان در نقاط مختلف کشور، اقبال گوناگون مردم و نیز مسئولان نظام را هدف قرار داد. به طوری که تنها یک هفته پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ اولین و سهمگین‌ترین اقدام تروریستی سازمان با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از طریق یک عنصر نفوذی صورت گرفت؛ که طی آن دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و رئیس دیوان عالی کشور آقای دکتر سید محمدحسین حسینی بهشتی و ۷۲ تن از مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران فولدر ۵ را به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت رساندند.

سازمان در ادامه اقدامات تروریستی و براندازانه‌ی خود، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت و سپس دادستان کل انقلاب و تعدادی از ائمه جمعه مراکز استان‌های کشور را با بمب‌گذاری و انجام عملیات انتحاری به شهادت رساندند؛ و به موازات آن به‌طور وسیعی به نحو افسار گسیخته و به دور از هرگونه عقلانیت و به‌طور کاملاً وحشیانه اقدام به ترور غیر نظامیان و مردم عادی کردند. اما به دلیل مقاومت‌های شورانگیز مردم و مسئولین نظام، بسیاری از اعضای این سازمان دستگیر و مجازات شده یا در درگیری‌های مسلحانه کشته شدند به نحوی که سران سازمان، ماندن در ایران را برابر با نابودی کامل خود تلقی نموده و به‌منظور ادامه‌ی حیات خود در ابتدا سرکرده‌ی آن‌ها، مسعود رجوی به همراه رئیس‌جمهور مخلوع، ابوالحسن بنی صدر از کشور گریخته و متعاقب آن سایر کادرها و اعضای که از درگیری‌ها جان سالم به در برده بودند، به خارج از ایران گریختند. ولی همچنان از طریق تعداد محدود هواداران فریب خورده، اقدامات تروریستی خود را تا سال‌ها بعد در کشور ادامه دادند.

رهبر سازمان در سال ۱۳۶۴ (مصادف با ۱۹۸۵-۱۹۸۶ میلادی) در فرانسه و در حومه پاریس (که محل استقرار اصلی سران گروه محسوب می‌شد) با انتشار اطلاعیه‌هایی اعلام «انقلاب ایدئولوژیک» نمود و این تصمیم در حقیقت با هدف فرار از پاسخگویی نسبت به تصمیم‌گیری‌های خیانت‌باری بود که منجر به وقوع جنایات بسیار شده بود.

با جریان انقلاب ایدئولوژیک همه‌ی اعضا به یک نسبت موظف به وصل خود به رهبر گروه بودند و در خلال همین پروژه بود که مریم قجر عضدانلو بدون هیچ‌گونه دلیل عقلی و شرعی، ابتدا از همسر خود طلاق گرفته و به همسری مسعود رجوی درآمده و نام مجازی مریم رجوی را بر خود اطلاق کرد. سپس نهاد خانواده به منزله یک مانع در راه منویات رهبری سازمان در سراسر تشکیلات هدف قرار گرفت و به بهانه‌های گوناگون کلیه زنان و مردان و فرزندان که همگی بخشی از نهاد خانواده را تشکیل می‌دادند، بالاچار و بر اساس یک دستور تشکیلاتی خشک و یک تکلیف اجباری سازمانی از هم جدا شده و نهاد خانواده برای همیشه در میان صفوف و تشکیلات سازمان متلاشی شد. سپس همه‌ی مردان از مسئولیت‌های مهم و رده‌های بالای سازمان عزل شده و به جای آن زنان و دخترانی گمارده شدند که فرمان‌پذیری و تبعیت بیش‌تری از خود نشان می‌دادند. مجموعه این اقدامات درون سازمانی به نحوی انجام شد که از سوی بسیاری از صاحب نظران، این گروه به‌عنوان یک فرقه و مسلک مورد ارزیابی و شناسایی قرار گرفت.

با انقلاب ایدئولوژیک، سرکرده‌ی سازمان برای اتخاذ تصمیمات جنایتکارانه خود، با مقاومت و مخالفت بسیار کمتری در میان اعضا مواجه بود و اعضای سازمان وصف «سرسپاری» را به‌عنوان یک ارزش والای تشکیلاتی از افتخارات خود می‌دانستند. در این فضای درونی تشکیلات بود که رجوی (همراه با همسر جدیدش) راه‌های خیانت و جنایت را در ابعاد وسیع ملی و میهنی و بین‌المللی طی کردند.

سازمان همزمان با جنگ ۸ ساله عراق با ایران، ضمن انتقال کلیه اعضای سازمان به کشور عراق، به مزدوری و مشارکت

وسیع و صریح و علنی با رژیم بعث عراق در آمد. این سازمان با حمایت و پشتیبانی رژیم بعث صدام حسین هم از حیث مالی و هم از جنبه نظامی با تحویل پادگان اشرف به آنان در آن ایام، حمله مستقیم به مرزهای کشور و به شهادت رساندن غیرنظامیان و سربازان مدافع کشور در اهداف خود گنجاند. جاسوسی و ارائه اطلاعات و اسرار کشور به بیگانگان، ادامه اقدامات تروریستی در اشکال گوناگون، از جمله حمله مسلحانه به مردم در شهرها و مناطق مسکونی، شناسایی اماکن و مراکز حساس و حیاتی کشور و دادن اطلاعات آن به دشمن و نیز انفجار خطوط و لوله‌های نفتی، حمله به پاسگاه‌های مرزی و ... از اقدامات آن‌ها بود و حتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران رهبر سازمان با اخذ اجازه از دولت متجاوز بعث عراق و در قالب یک به اصطلاح ارتش مکانیزه به مرزهای جمهوری اسلامی ایران حمله کرده و با سودای فتح ۳ روزه تهران، جنایاتی را تحت نام عملیات موسوم به فروغ جاویدان آفرید که علاوه بر تحمل تلفات سنگین، تعداد زیادی از مردم عادی و غیرنظامیان و نیروهای مدافع کشور نیز به شهادت رسیدند.

پس از پایان جنگ ایران و عراق و علی‌رغم برقراری آتش بس بین دو کشور، سازمان هم‌چنان بر رویه خیانت بار خود اصرار ورزیده و در مواقعی که روابط دو کشور به تیرگی می‌گرایید به شکل یک مزدور، خوش خدمتی به دشمن را فراموش نمی‌کرد. در این دوره علاوه بر برخی ترورها، حمله موشکی به برخی ادارات و نهادهای دولتی و حکومتی ۱۱ و جاسوسی‌های علمی، فنی و سیاسی و اقتصادی و ... و بمب‌گذاری در خطوط لوله‌های نفتی و. را در کارنامه خود دارند.

در خلال انتفاضه اول مردم عراق در سال ۱۳۷۰ (مصادف با ۱۹۹۲-۱۹۹۱ میلادی) سازمان همراه با دستگاه نظامی و امنیتی رژیم بعث عراق نسبت به سرکوب مردم عشایر و کردهای عراقی ۱۲ اقدام نموده و بسیاری از مردم بی‌گناه را به شهادت رساندند. پس از آن هرچه زمان می‌گذشت، امکان ادامه حضور همراه با فعالیت‌های تروریستی آنان در عراق سخت‌تر می‌شد. در سال ۱۳۶۷ (مصادف با ۱۹۸۹-۱۹۸۸ میلادی) و در جریان یک سری صحنه سازی‌های تصنعی از سوی شورای به اصطلاح ملی مقاومت (که در واقع نقش پوشش سیاسی سازمان را ایفا می‌کرد) ابتدا مریم رجوی به مقام جعلی رئیس جمهوری ایران معرفی و چند روز پس از آن به همراه تعدادی از کادرهای فعال سازمان و به منظور تشدید فعالیت‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به اروپا و فرانسه اعزام شدند.

بعد از آن، سازمان همواره در تلاش بوده تا به هر نحو ممکن و تحت هر عنوان در عراق حضور داشته و با حمایت برخی سیاسیون غرب و عناصر و عشایر وابسته به رژیم سابق عراق، برای خود دیواره حمایتی و حفاظتی ایجاد نمایند. ولی عزم و اراده جدی مردم و دولت جدید عراق بر تمهیدات این گروه چیره شد و در مرحله اول کلیه عناصر سازمان در عراق در قرارگاه موسوم به اشرف تحت محاصره قرار گرفته و پس از آن به اردوگاهی به نام لیبرتی منتقل شده و در نهایت، در شهریور سال ۱۳۹۵ (مصادف با اگوست-سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی) آخرین گروه از نفرات سازمان از عراق خارج و به کشور آلبانی منتقل شدند.

قطعاً این دوره، آخرین مرحله از حیات ننگین آنان نبوده و این سازمان علی‌رغم شرایط اسفباری که بر آن حاکم است به حیات خوار و خفیف و خائنه خود در قالب اشکال و برنامه‌های توطئه آمیز دیگری ادامه می‌دهند. تمامی عناصر این گروه همانند اعضای گروه موسوم به داعش، هر چند که در کشورهای مختلف اقامت دارند و هم اکنون به‌طور سازمان یافته قادر به عملیات گسترده نظامی نمی‌باشند. لکن به‌صورت بالقوه پتانسیل تهدید امنیت تمام کشورهای مقیم را دارند و در هر حال به حکم قانون و به حکم حق و عدل، می‌باید به کیفر جنایت‌های خود برسند.

متهمان پرونده شاید برای توجیه اقدامات خود و یا فرار از چنگال عدالت، به دو قاعده حقوقی متوسل شوند. یکی قاعده مرور زمان و دیگری قاعده دفاع مشروع؛ هر چند از بدیهیات حقوقی و عرفی است که جرایم غیر انسانی و ضد امنیتی آنان مشمول هیچ یک از قوانین مذکور نمی‌شوند و توجیه ناپذیر است مع‌الوصف بررسی حقوقی موضوع هر چند اجمالی و مختصر در این مقدمه خالی از فایده نیست.

اول- قاعده مرور زمان:

در زمان حاکمیت قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲)، مرور زمان کیفری در قوانین ایران به‌صورت کامل پیش بینی شده بود (یعنی تا قبل از سال ۱۳۵۷). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فقهای شورای نگهبان با موضوع مرور زمان مخالفت کردند و برابر نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۶۱ مرور زمان را مغایر با موازین شرعی تشخیص دادند و در نتیجه در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ از مواد مربوط به مرور زمان ذکری به میان نیامده بود. هم‌اکنون هر چند قاعده مرور زمان در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) پیش بینی شده است مع‌الوصف برای آن استثنائاتی پیش بینی شده چنان‌که در ماده ۱۰۹ قانون مذکور آمده است: «جرایم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ...» از سوی دیگر برخی از اتهامات گروهک موصوف، از نوع جرایم مستمر است (نظیر: اداره تشکیلات ضد امنیتی و تروریستی، تشویق و تهییج مردم به اخلال در نظم عمومی و آشوب و بلوا، نشر اکاذیب با هدف بر هم زدن امنیت ملی ایران و جاسوسی و ...) و یکی از اصول مسلم حقوقی، عدم شمول قاعده مرور زمان نسبت به جرایم مستمر است.

قاعده دفاع مشروع:

بر اساس دکترین حقوقی و موازین عقلی، عرفی و شرعی، اصل «دفاع» اساساً زمانی محرز است که اولاً فرد در مقام دفاع از نفس، عرض یا حیثیت، ناموس، مال و آزادی تن خود یا دیگری، ذی‌حق باشد و چنین حقی طبق موازین قانونی و شرعی برای وی پیش بینی شده باشد یا از حقوق طبیعی و فطری او محسوب گردد، در غیر این‌صورت یعنی زمانی که فرد از چنین حق مشروعی برخوردار نمی‌باشد بی شک حق دفاع از آن حق را نیز نخواهد داشت نظیر فرد یا افرادی که رأی اکثریت جامعه را

بر نتافته و با ضدیت نسبت به حکومت و قانون بر آمده از «جمهوریت و دموکراسی» مبادرت به قانون شکنی و ارتکاب جرم می‌کنند.

بدیهی است بابت این امر می‌بایست تحت تعقیب قرار گیرند و چنین مجرمی هیچ‌گاه نمی‌تواند برای دفاع از «حق آزادی تن» متوسل به اصل دفاع مشروع شود و به همین لحاظ است که در ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هـ. ش آمده است: «مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود...». ثانیاً خطر و تجاوز از حالت فعلیت یا قریب الوقوع برخوردار باشد و خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد صورت نگرفته باشد. بدیهی است وقتی فرد یا افرادی برخلاف اصول دموکراسی و بر خلاف اصول انسانی، اعلام قیام مسلحانه می‌کنند و دست به اسلحه برده و مرتکب قتل و غارت جان و مال افراد بی‌گناه می‌شوند و با بمب گذاری در اماکن عمومی، مبادرت به عملیات‌های تروریستی کور می‌نمایند، در هر جامعه‌ای باشند، تحت تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند و توسل آنان به اصل دفاع مشروع، بی شک توجیهی مضحک و مردود است.

به اقتضای کیفرخواست در بسیاری از موارد به ناچار ضرورت پیدا کرده است که جهت اتقان و استحکام موضوع، عبارات و مطالب ارائه شده توسط سازمان، اعضای آن و سایرین عیناً نقل قول شود. از آن‌جا که اکثر قریب به اتفاق این عبارات مشحون از کلمات توهین آمیزی، چون ارتجاع، خون خوار، جلاد، جنایت‌کار، دزخیم و ... نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران، شهدا، مقامات و مردم آن است لذا از این بابت پیشاپیش و خاضعانه از محضر شهدای عزیزمان و سایرین پوزش می‌طلبیم.

اقتضای اولیه هر نوشته حقوقی و قضایی آن است که از عبارات و اصطلاحات حقوقی و قانونی در آن استفاده شود. در این نوشته نیز هر چند به جهت ارج نهادن به ارزش‌های دینی و اسلامی هم در تیتیر مباحث و هم در متن اصلی از عبارات "شهید" و "شهادت" استفاده شده است و لکن در تیتیر مباحث و در مقابل عبارت "شهادت" عبارت "قتل عمدی" (که عبارتی قانونی بوده و بار حقوقی دارد) نیز به کار گرفته شده است.

آن‌چه از اقدامات مجرمانه، تروریستی و جنایتکارانه این سازمان و متهمین آن به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و براندازی آن در این پرونده و کیفرخواست آمده است تمام جرایم آن‌ها نبوده بلکه صرفاً آن دسته از اقداماتی است که دلایل و مستندات محکم و منقن در خصوص آن‌ها وجود داشته است؛ بنابراین از پرداختن به صدها مورد اقدام مجرمانه دیگر آنان که یا دلایل استنادی محکم بر آن وجود نداشته و یا دلایل آن از بین رفته است و یا دلایل و مستندات آن فعلاً جمع‌آوری و تکمیل نشده، صرف نظر شده است.

در مورد برخی جرایم ارتكابی توسط سازمان و متهمین آن، هرچند این جرایم محرز بوده و دلایل و مستندات لازم نیز مبنی بر انتساب آن‌ها به این سازمان و اعضای آن وجود دارد ولیکن با عنایت به شرایطی که قانون گذار در کشور ما در نظر گرفته است و مفاد مواد قانونی قوانین مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری در وضعیت فعلی امکان رسیدگی به آن‌ها وجود ندارد؛ لذا پرونده قضایی درمورد این بخش از جرایم آنان کماکان مفتوح و مطرح به رسیدگی است.

مستندات مربوط به فعالیت و جایگاه هر یک از متهمان به عنوان اعضای اصلی یا فعال سازمان

سلسله مراتب تشکیلاتی، سازمان همواره دستخوش تغییرات عدیده‌ای در ساختار و در مسئولیت اشخاص بوده است و لذا در ادوار مختلف به فراخور اقتضائات تشکیلاتی افراد مختلف را در جایگاه‌های کلیدی همچون مسئول، اول شورای رهبری کادر، رهبری مرکزیت و سایر پست‌ها قرار داده است.

چنان که مسعود رجوی (نفر اصلی و کلیدی سازمان) در ابتدای روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی عضو کادر رهبری بود و به صورت غیر علنی ریاست سازمان را نیز بر عهده داشت. از سال ۱۳۶۰ هجری شمسی و بعد از مرگ موسی، خیابانی مسعود رجوی در موضع مسئول اول سازمان» و به تنهایی در رأس تمامی امور سازمان قرار گرفت. در آن مقطع بالاترین رده، تشکیلاتی مسئول اولی سازمان محسوب می‌شد و این جایگاه تشکیلاتی به مثابه «رهبری» سازمان به شمار می‌آمد نامبرده به صورت همزمان در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ هجری شمسی به عنوان مسئول شورای موسوم به ملی مقاومت و تحت پوشش شورایی که متشکل از تعدادی از مخالفان نظام جمهوری اسلامی بود، به فعالیت پرداخت اساس تشکیل شورای مزبور براندازی نظام جمهوری اسلامی با توسل به مبارزه‌ی قهرآمیز بود.

همچنین از ۳۰ خرداد ۱۳۶۶ هجری شمسی با تشکیل ارتش موسوم به ارتش آزادی بخش ملی ایران به عنوان فرمانده عالی ارتش آزادی بخش در تدارک تشکیلات نظامی تمام عیار جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی نقش محوری را ایفا کرد.

در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی و با انتخاب مریم رجوی به عنوان مسئول اول سازمان مسعود رجوی جایگاهی والاتر و به اصطلاح معنوی برای خود قائل شد و ضمن این که همچنان در تمامی جزئیات امور نظامی و ایدئولوژیک سازمان ورود داشت خود را به عنوان رهبر «عقیدتی سازمان معرفی نمود. علی‌هذا چنان که مشهود است نامبرده در تمامی پست‌ها و سمت‌های مذکور نقش اصلی را در سازمان دهی اقدامات تروریستی علیه ملت و حکومت ایران ایفا کرده است.

یکی دیگر از نفرات اصلی و کلیدی سازمان از دهه‌ی ۱۳۶۰ هجری شمسی تا کنون مریم رجوی است.

وی که در بدو امر در امور حاشیه‌ای و نه چندان کلیدی سازمان مشغول به فعالیت بود در زمانی که مسعود رجوی در جایگاه مسئول اول سازمان قرار داشت به عنوان یکی از زنان برجسته‌ی سازمان مطرح شد. با این توضیح که نامبرده از سال ۱۳۶۸

هجری شمسی تا ۱۳۷۲ هجری شمسی به عنوان مسئول اول سازمان به فعالیت مضره علیه نظام جمهوری اسلامی اشتغال داشت و به دنبال آن در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی از سوی شورای موسوم به ملی، مقاومت به عنوان رئیس جمهور دوران انتقال برگزیده شد و مقرر شد پس از براندازی نظام جمهوری اسلامی توسط ارتش به اصطلاح آزادی، بخش وی تا تشکیل دولت به اصطلاح، قانونی به عنوان رئیس جمهور ایران زمام امور را در دست گیرد.

همچنین مریم رجوی در ادوار مختلف یکی از فرماندهان اصلی ارتش به اصطلاح آزادی بخش محسوب می شد. ضمناً نامبرده در تمامی مقاطع زمانی و پست‌های تشکیلاتی خود همواره به عنوان یکی از نفرات اصلی و کلیدی سازمان در راستای اقدامات تروریستی و مقابله با نظام و براندازی آن تلاش کرده است.

گفتنی است در چارت تشکیلاتی، سازمان افراد اصلی و فعال دیگری نیز حضور دارند که به گواهی اسناد و مدارک در بخش‌ها و جایگاه‌های مختلف سازمان اعم از شورای موسوم به ملی مقاومت ارتش به اصطلاح آزادی بخش کادر رهبری شورای رهبری و فعالیت‌های مؤثری در راستای اقدامات تروریستی و براندازانه علیه نظام جمهوری اسلامی داشته و دارند. علی‌هذا اسامی و گوشه‌ای از فعالیت‌های مسعود رجوی مریم فجر عضدانلو (رجوی) و برخی از این افراد به شرح ذیل است.

مسعود رجوی فرزند میرزا حسین

مسعود رجوی در سن ۱۹ سالگی به دنبال ارتباط تنگاتنگی که با محمد حنیف نژاد از کادرهای اولیه سازمان داشت با منافقین آشنا و جذب سازمان می شود. در همین رابطه نیز در سال ۱۳۵۰ توسط ساواک دستگیر و به اعدام محکوم می شود که با وساطت برادرش که از منابع ساواک بوده مجازاتش به حبس ابد تقلیل می یابد و در ادامه نیز در زندان به عنوان رهبر سازمان مطرح می شود.

نامبرده ابتدا با فیروزه بنی صدر ازدواج و پس از مدتی از یکدیگر جدا می شود و بعد از آن با مریم (رجوی) فجر عضدانلو، (همسر مهدی ابریشمچی) ازدواج تشکیلاتی نموده و انقلاب ایدئولوژیک را در سازمان مطرح می کند.

مسعود رجوی در ۳۰ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ در اطلاعیه‌ای دستور جنگ مسلحانه را علیه نیروهای انقلاب صادر کرده و بسیاری از اقدامات تروریستی و جنایات علیه نیروهای انقلاب صادر کرده و بسیاری از اقدامات تروریستی و جنایات علیه مسئولین نظام و مردم ایران را سبب می‌شود.

نهایتاً نامبرده در تاریخ ۷ مرداد سال ۱۳۶۰ هجری شمسی به همراه بنی صدر با مشارکت در هواپیماریایی توسط خلبان شاه سرهنگ معزی از طریق مرز هوایی از کشور خارج و به فرانسه پناهنده می شود.

دیگر فعالیت‌ها و اقدامات او عبارت است:

صدور فرمان طلاق اجباری برای اعضاء

- صدور فرمان جدایی فرزندان اعضاء از والدین

- تأسیس گروه تروریستی (شبه نظامی) موسوم به ارتش نفاق در عراق در سال ۱۳۶۵

شرکت در جلسات مختلف با استخبارات عراق همکاری مستقیم با رژیم بعث و شخص صدام، صدور فرمان و مشارکت در عملیاتهای مختلف سازمان از جمله فروغ جاویدان

ضمناً نامبرده تحت تعقیب اینترپل بوده و دارای اعلان قرمز به شماره A-2002-441/6 می باشد.

مریم فجر عضدانلو (رجوی) فرزند حسین

برادر نامبرده به نام محمود از اعضای سازمان است. گفتنی است مشارالیهها بعد از ورود به دانشگاه صنعتی شریف توسط برادرش محمود فجر عضدانلو با منافقین آشنا و جذب سازمان شد.

وی در سال ۱۳۵۸ به دستور تشکیلات با مهدی ابریشمچی ازدواج می کند و در سال ۱۳۶۴ بعد از جدا شدن از همسرش با مسعود رجوی ازدواج تشکیلاتی می کند.

شایان ذکر است نامبرده بعد از شروع فاز نظامی در سال ۱۳۶۰ از کشور متواری و در زمان حضور خود در پاریس مسئول دفتر مسعود رجوی می شود.

از جمله فعالیت‌ها و مسئولیت‌های او عبارت است از:

جانشین فرمانده کل ارتش نفاق

شرکت در عملیات‌های مختلف نظامی- تروریستی سازمان همانند فروغ جاویدان و آفتاب

مسئول هدایت عملیات‌های نظامی و تروریستی در داخل کشور

مسئول اول سازمان در سال ۱۳۶۸

- رئیس جمهور شورای به اصطلاح ملی مقاومت از سال ۱۳۷۲ تاکنون

ضمناً نامبرده تحت تعقیب اینترپل بوده و دارای اعلان قرمز به شماره ۴۶۹/۶-۲۰۰۲-A می‌باشد.

مهدی ابریشمچی فرزند موسی اسلامی

نامبرده در سال ۱۳۴۸ توسط محسن نجات حسینی جذب سازمان منافقین شده و در سال ۱۳۵۴ توسط ساواک دستگیر و به هفت سال زندان محکوم می‌شود که در نهایت وی نیز با پیروزی انقلاب از زندان آزاد می‌شود.

گفتنی است خواهران و برادران نامبرده به نام‌های جواد کاظم حسین، سعید محمود، فرزاد رحمت سرور صدیقه و شیرزاد همگی از منافقین بوده‌اند.

ضمناً وی در سال ۱۳۵۸ به دستور تشکیلات با مریم قجر عضدانلو (رجوی) ازدواج کرده که حاصل آن دختری به نام نرگس است و در نهایت مشارالیه در اواخر سال ۱۳۶۳، باز هم به صورت تشکیلاتی از مریم رجوی جدا شده و متارکه می‌کند.

لازم به ذکر است که نامبرده در سال ۱۳۵۷ نفر پنجم سازمان و عضو کمیته مرکزی بوده که اقدام به طراحی و راه اندازی بخش‌های مختلف سازمان می‌کند.

همچنین وی در سال ۱۳۵۹، مسئول جنبش به اصطلاح ملی منافقین بخش امنیت و عملیات مهندسی بوده است. در ضمن نامبرده در حال حاضر از عناصر کادر مرکزی سازمان و مسئول کمیسیون به اصطلاح صلح شورای ملی مقاومت است.

دیگر فعالیت‌ها و مسئولیت‌های او عبارت است از:

عضو شورای رهبری سازمان

مسئول پشتیبانی تیم‌های تظاهرات مسلحانه در سال ۱۳۶۰

معاونت در ربایش هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ به منظور فراری دادن مسعود رجوی ابوالحسن بنی صدر و عامل انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی از طریق طراحی و برنامه ریزی عملیات ربایش هواپیمای موصوف در تاریخ ۱۳۶۰/۰۵/۰۵

عضو مرکزیت و هیئت اجرایی سازمان در سال ۱۳۶۱

مسئول روابط خارجی سازمان در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ مسئول پشتیبانی کل ستاد فرماندهی ستاد مرکزی و ستاد اطلاعات در سال ۱۳۶۵

فرماندهی حفاظت قرارگاه‌ها و معاون ستاد قرارگاه نیروی عملیات‌های چلچراغ آفتاب و فروغ جاویدان

مسئول طرح انقلاب ایدئولوژیک

مسئول، زندان برخورد و شکنجه‌ی اعضای مسئله دار در سال ۱۳۷۳

مسئول برگزاری نشست‌های غسل در سال ۱۳۸۰

ضمناً نامبرده تحت تعقیب اینترپل بوده و دارای اعلان قرمز به شماره ۵۲۵/۶-۲۰۰۲-A است.

انتشار اسناد شکنجه اعضای منافقین

در جریان دادگاه با انتشار سندی مشخص شد که پس از حمله پلیس آلبانی به مقر منافقین، آمریکا در یک بیانیه اعلام کرده است که منافقین اعضای خود را اذیت و آزار می‌کرده است.

حذف مخالفان؛ تشکیل ستاد؛ زندان و شکنجه گاه و نشست‌های غسل برای اعضای مسئله دار از جمله این اقدامات بوده است. مهدی ابریشمچی نقش اول را در جریان شکنجه اعضا دارد.

قاضی با اعلام پایان جلسه گفت:

جلسه بعدی دادگاه روز سه شنبه برگزار می شود.

برچسب ها: [تاریخ](#) [1]

[قوه قضائیه](#) [2]

[تیوریسم](#) [3]
